

کاغذ های خط خطی

فخرالدین احمدی سوادکوهی



نام کتاب: کاغذهای خط خطی (تراوشات ذهنی)

مؤلف: فخرالدین احمدی سوادکوهی

ناشر: مؤلف

سال: 1389

دوستی که به اندازه ی دوستی امان از هم فاصله داریم روزی این دست نوشته ها را برحسب تصادف خواند و ناباورانه از من پرسید که آیا همه ی اینها از توست! واقعا اینگونه است!
و از او پرسیدم اگر این دست نوشته را به اسم یک شخصیت خارجی و یا هر نامی غیر از نام من می بود می پذیرفتی و باورش می کردی! واقعا اینگونه نیست!
و هر دو سکوت کردیم و در افکارمان فرو خزیدیم و بر سالیان بعد، بر آن شدم همین دست نوشته ها را گردآوری کنم، به چاپ برسانم، خوانده شود.
کسی را نمی بینم
در هیچ جا
هر آنجایی که شلوغ بود را خلوت ترین یافتم
و خلوت ترین را پرهیاهوترین
آری، پس تقدیم به به هیچکس
به هیچکس . . .
. . .

* از میان هزار قطره اشک زن ، تنها یکی از قطره ها را پاور کن که همان یک قطره، به اندازه ی هزار قطره حرف برای گفتن دارد.

* پیچاره مگس! همه ی هنرمندان از مرگ پرنده ها به ناله افتاده اند و کسی مرثیه ای برای مرگ مگس نمی خواند. مگس مگر عضوی از خانواده ی طبیعت نیست؟! پس چرا باید با او مبارزه کرد؟ چته ای به این کوچکی نیاز به این همه اختراعات مرگبار ، همراه با تبلیغات سنگین دارد! مگس با آدمها سر شوخی را باز می کند و آدمهای کم حوصله و عجول و کم ظرفیت تحمل شوخی با مگس را ندارند و برای همین در اسرع وقت مگس کش را اختراع کردند و برای این اختراع چشنی سنگین تدارک دیده اند. مگس ها چرا با فحیج ترین وضع بدست آدمها کشته می شوند؟

* انسانها چرا تحمل طبیعت را ندارند؟! چطور طبیعت تحمل این همه آدم را با کردار زشت اشان دارد؟!

* چنگ گویا نمی خواهد از زندگی انسانها معو شود. آدمها از صحنه های وحشتناک و تکان دهنده ی چنگ درست نمی شوند. بلکه حس چنگیدن و آدمکشی در آنها تقویت می شود. این عجیب نیست!!

* چینی زشت تر از این هست که کارهای زشت و غیر انسانی را به چشم ببینید و باز به همان کارهای غیر اخلاقی گرایش داشته باشید!

* آدمی تمایل دارد به خلوت جهان خود سفر کند و یا پناه ببرد. هرکس این حق را دارد. نباید جلوی سفرهای ذهنی آدمها را گرفت.

* اتاق خلوت را می شود تحمل کرد، با دل خلوت ، چه باید کرد؟!

کاغذهای خط خطی

* آدمی که اختیارات انسانی اش را فراموش کند و نتواند آنطور که می خواهد زندگی کند ، تنها پدرد قبرستان فراموشی می خورد.

* با اختیار خود زیستن ، پی نهایت شهامت و جرات می خواهد و این شهامت شاید گاهی منجر به مرگ خود انسان شود و اما این مرگ ، قابل ستایش است.

* اگر نمی توانید مرد باشید، لااقل وعده ی مردانگی سر ندهید.

* در هر شرایطی ، باید خود دار بود.

* در زندگی می توان طوری رفتار کرد که مرگ نیز شرمنده شود.

* انسان باید کار کند برای زندگی، نه اینکه زندگی کند برای کار که در اینصورت از خود برده ای مطیع و زنجیر به گردن ساخته است.

* برای آزاد ماندن ، هرگز نباید برده ی کسی و چیزی شد و به دل چیزی دل بست.

* ارزش تنهایی را هنرمندان در لحظه ی خلاقیت و آفرینش اثر هنری اشان می فهمند و درک می کنند و این لذت را به اجتماع گیج و خواب زده چطور می شود فهماند؟!

* بعضی اوقات تنهایی را نمی شود با کسی سهیم بود و تقسیم کرد.

* کجا دنبال خودت می گردی؟! در تنهایی ، سکوت و در سکوت ، خودت را پیدا کن.

* انسان باید ردپائی محکم تر از مرگ بر جهان هستی بجا بگذارد.

* اتفاقات کوچک زندگی، گاهی می تواند بزرگترین فاجعه ی انسانی و بشری را بوجود بیاورد.

کاغذهای خط خطی

* انسانی که خواهان بزرگی باشد، هرگز کوچکی و حد و اندازه اش را بر نمی تابد و برای بزرگ شدنش پی نهایت تلاش می کند.

* کدام آدمی بدون تلاش و کوشش توانست از خودش مردی بزرگ و شایسته بسازد؟!

* غم اگر نبود هنرمندی وجود نمی داشت. این غم است که بزرگترین شاهکارهای جهانی را خلق می کند که بر دل می نشیند.

* چرا یک نفر، بجای صد نفر، باید رنج و عذاب بکشد و غصه بخورد؟

* فقر محکوم است یا فقیر؟ یا فقر باید جنگید یا فقر را از میان باید برد؟ کدامشان آغازگر سرنوشت شوم اجتماعی هستند؟

* واقعاً اگر هنر نبود چه اتفاقی در زندگی می افتاد؟ هنر التیام بخش دردهای بشری است . اصلاً آیا درد بشر را پایانی هست؟!!!!

* اگر انسانها از مسئولیت اشان فرار نکنند، هیچ خطری آینده و جهان را تهدید نمی کند.

* حقیقی ترین حقیقت ها حقیقتی است که فقط خود هنرمند آن را درک می کند و می فهمد.

* موسیقی عصاره ی دردهای پنهانی ملت هاست. مردم در موسیقی در سازهای پی زبان، دردشان را جستجو می کنند .

* از عجایب است که انسانهای دردمند، با شنیدن همان درد از زبان دیگران ، احساس آرامش می کنند.

* هنرمند در تنهایی شکوفا می شود. پس غنچه ها را قبل از شکفتن ، پرپر کردن، یک جنایت است.

* این همه فصایح و نصایح و پندهای بزرگ مردان نیک اندیش جهان، چرا دنیا درست نمی شود؟

* با تبلیغ تند اخلاقی، پی اخلاقی پاپ و قانون شده است!!

* (این دنیا دیگر دیدن ندارد! آخر! اهالی دنیا به یک تکرار خنده دار رسیده اند.

* هیچ چیزی در زندگی فاجعه آمیز تر از گریه ی یک مرد نیست.

* جهان دیوانه خانه ای شده و آدمها دیوانه هائی پریشان و پرگو.

* هنرمندان واقعی عصاره ای از هنر هستند و چقدر زشت است که هنرمندی، هم هنرش و هم زندگی اش را برای چیزی که نمی داند بپازد!

* عده ای از انسانها نمی دانند و نمی خواهند بداند و بر این پاورند که همان اندازه فهم کفایت می کند و پیش از این دانستن چه سودی بحال خود و جامعه دارد!! اما در نادانی همیشه رنج و عذاب است.

* مرگ ، از انسانهای پی خاصیت متنفر است.

* غفلت هنرمند ، نشان پی خاصیتی و پی لیاقتی اوست.

* من حوصله ی جهان را سر می برم و جهانیان حوصله ی مرا. چه کسی ما را با هم آشتی می دهد!

* یا من لال پوده ام و فکر می کردم زبانی به درازی دنیا دارم، یا این جهان واقعاً کر است، چرا حرف هم را نمی فهمیم!

* همیشه در جهان پنجه ای برای باز شدن وجود دارد که پنهان مانده. پس پنجه ای امید جهان را برای تحول جهانیان کشف کنید. جایزه اش را تاریخ آماده کرده است.

* هر نردبانی ارزش بالا رفتن ندارد، آخر! همه ی نردبان ها از جنس استقامت نیستند و شاید موریانه ای نقشه ی سقوط کشیده باشد! نردبانی را با اطمینان باید بالا رفت که خود در ساختنش نقش داشته اید.

* ما آدمها در شکم زندگی، زندگی می کنیم و زندگی هر لحظه ما را آپستن می شود. قابله ای مهرپان را خبر کنید تا شیرین ترین فرزندان زندگی را دنیا بیاورد.

* ارزش زندگی فراتر از تصورات ما آدمیان است. پس به زندگی آنطور که شایسته اش است، احترام بگذارید.

* انسان زمانی بر می خیزد که بفهمد، و درخواستن، همان شهامت است

* با ارزش ترین دوست آدمیزاد، قلب و پاهای اوست. رفیقانی واقعی که خیانت را نیاموخته اند. پس کجای جهان، دنبال همدم و همراه می گردید!

* دروغ انسان را پی وقار می کند. متانت در صداقت است.

* رها کن، تا رها شوی.

* انسان چرا رنج می کشد؛ رنج جزئی از سرنوشت بشریت است؛ آیا انسان در آفریدگی و پیدایش رنج دخیل بوده است؟

* انسان محکوم به رنج نیست، رنج محکوم به شکنجه ی انسان است. چه قانون ترسناکی!!

* فلیسوفان اخلاق، روزهای پی اخلاقی امروز را خواب دیده بودند!

* کاش فیلسوفان و خردمندان هنگام فتوای پندهای اخلاقی برای فاجعه ی پی اخلاقی امروز، راهکاری جدی تر می یافتند.

* بد است وقتی پی اخلاقها در راس اجتماع، درس اخلاق بدهند.

* گاهی یک چوپ کبریت در تاریکی به اندازه ی یک فانوس و یا یک لامپ ارزش و اهمیت دارد. چوپ کبریتها را نشکند و حرام نکنند. تاریکی همیشه هست، اما، چوپ کبریت هرگز!

* جهان با شما شوخی ندارد، به شما امید دارد. پس به خاطر این اعتماد صمیمی، همه به احترامش بلند شویم

* هرگز سعی نکنید سر دنیا کلاه بگذارید که دنیا، کلاه بزرگترین کلاهپداران را راحت قاپیده است.

* با دنیا صداقت باشید، تا بهترین خدمات را به شما ارائه بدهد.

* وقتی انسان می تواند قله های تاریخ و ماندگاری را بالا ببرد، چرا در دره های تاریک و کم سوی فراموشی تمایل به ماندن دارد؟!

* تفکر در بلندی ها ست، نه در پستی ها که نشان از حقارت دارد.

* همه دوست دارند حرف بزنند، اما چه کسی حوصله ی شنیدن دارد؟!

* قلب کاش لب داشت تا به وضوح می شنیدید زیباترین حرف های زندگی را که رسا بیان می کند. اینقدر رسا که پرایش حاضرید کشته شوید.

* زندگیِ رونندگان حقیقتِ چو را دوست دارد. ترسهای پی خاصیت را، زندگی همیشه پس می زند.

* می دانم که حقیقت است که انسان را به تکامل می رساند. برای رسیدن به تکامل، چرا کامل می کنید؟

* زندگی افسانه نیست و افسانه هم زندگی نیست.

* حماقت را با شهامت آمیزش ندهید و معجونی بنام ایثار درست نکنید. با این خوراک دستگاه گوارشی جهان بهم می ریزد.

* نه انسان در حافظه ی جهانِ عظیم می ماند، نه جهانِ بزرگ در حافظه ی انسان می گنجد. پس باید به وظیفه ی خود انجام داد، بدون هیچ انتظار تشویقی از زندگی.

* خودتان را بزرگ نکنید، تربیت کنید.

* کسی گناه را تعریف و تعبیر کند! هیچ انسانی گناه ندارد، انسان ارزش دارد.

* امید در فردا پنهان است. فردا را زیر لب بگوئید تا فردا فراموش نشود. به فردا اعتماد کنید که پی وقعه منتظر شماست.

* با زندگی بازی نکنید، با کردارتان او را راضی کنید. این خواهش و توقع زیادی که نیست!

* همیشه سعی کنید یک کودک باقی بمانید. آخر! بازی با عروسک هزاران بار مقدس تر و با ارزش تر از بازی کثیفی بنام سیاست است.

* ما آدم ها، برای گول زدن خودمان، همیشه بهانه های زیادی داریم.

* پند دهندگان به همان اندازه که پند می دهند، محتاج به پند هستند.

* مرور خاطرات پزیرگترین شکنجه برای سالخوردهگان است. پس هیچ وقت با رفتار و گفتارتان، پر شکنجه اشان نیغزائید.

* یک انسان زمانی می تواند ادعای موفقیت کند که از خاطراتش خجالت نکشیده و به خاطراتش تف نکند.

* بعضی از تجربه ها را نمی شود تجربه کرد.

* تجربه را تجربه کردن، احمقانه ترین و زشت ترین کار انسان است.

* نان آور سالم بودن برای خانواده، یکی از نشانه های مردانگی و غیرت است.

* چرا جوانمردان، جوانمردگان تاریخ اند؟!

* خودت را اول پاور، بعد پاور کن.

* ازدواج برای انسانهای پی هدف خطرناک است. چرا که به ناپودی یکی از زوجین هدفمند ختم می شود و این قتل احساس، دور از جوانمردی است.

* ما آدمیان در قبال استعدادمان، وظیفه ای داریم و وظیفه انسانی شایسته ترین کار آدمیزاد است.

* تنها از سینه صداقت است که چیزهای ماندگار می چوشد.

* هر کس راهی برای خود بچوید و راه های رفته شده ارزش تکرار ندارند. راهی جدید و نو کشف کنید. هر چند اگر ناهموار باشد، اما ارزش رفتن دارد.

* این درد است که از ما، یک مرد می سازد.

* خودتان را اول به خودتان به اثبات برسانید، بعد به دیگران.

* آینده پرده ایست برافراشته در پیش دیدگان حقیرتان که هیچ دستی قدرت ندارد آن پرده ی عظیم را پس برند.

* گذر از پرده ی آینده را نخواهید فهمید و همانگونه که گذر پرشتاب زمان را درک و حس نمی کنید. این، همان کلید پرمعمای جهان است.

* گمنام زیستن، خود شهرتی است پس عظیم.

* گاهی خود را در آغوش سرنوشت پرتاب کنید، تا با هم، هم مسیر و همراه شوید.

* ازدواج بعضی اوقات مانند سمی است که تمام سرنوشت آدم را مسموم می کند.

کاغذهای خط خطی

* سکوت گاهی نقابِ چهره ی پنهان آدم هاست که در وقت نیاز و التماس، به صورت زده می شود.

* عجیب نیست که آدم ها با خشونتِ پنهان شده ی درونشان تلاش می کنند در جامعه مهربان نشان داده شوند!

* بعضی اوقات از سکوت نزدیکترین افراد باید ترسید که تنها رسوا کننده ی آدم ، نزدیکان آدم اند.

* فقط قلب است که از راز و حرف به خوبی محافظت می کند. به قلب اعتماد کنید، همانطور که شما را پاور کرده است.

* زبان آدمیزاد قابل اعتماد نیست ، گوش به که سپرده ای!!

* مسافر چاده ها پاش و به قدم هائی که پر می داری اعتماد کن.

* نه دنیا و نه اهالی دنیا ، هیچکدام قابل تکیه نیستند، تنها به زانوان خودت تکیه کن .

* کار آدم به چائی می رسد که گاهی دل تنگِ تنهائی می شود! تنهائی ای که روزگاری باید آن را گدائی کند.

* هیچ چیزى در دنیا برای همیشه پنهان نمی ماند و کم نمی شود. هر چیزی یک روزی رو می شود.

* شکم زن یکی از عجیب ترین ، عظیم ترین و پیچیده ترین ماشین تولید جهان است.

* اگر حتی در یکی از خیابان ها ی شهر ، نتوانی آسوده و محترمانه و با امنیت در آن قدم بزنی، آن اجتماع بیمار است و از هر بیماری ای باید پرهیز کرد.

* چرا عده ای بدون سر و صدا، پدنیای می آیند!؟

* آدم روزی با تمام قدرت و دارائی اش به اوج حقارت و ناتوانی خودش پی می برد، اما باز با غرور ادعا می کند. این احمقانه نیست!

* آدم در گرفتاری ها همیشه محتاج یکی هست تا به او تکیه کند. تکیه گاهی که شانه خالی نکند.

* هیچ مرده ای نیاز به یک دسته گل ندارد، این زنده ها هستند که فقط به یک شاخه گل نیازمند هستند. فقط یک شاخه گل.

* زندگی تنها برای آن دسته از انسانها اهمیت و مفهوم دارد که آینده خواهی دلسوزند.

* کسی که زندگی می کند به زندگی احترام می گذارد و به سلامت زندگی خیانت نمی کند و خود تهدیدی برای زندگی و دیگر انسانها نمی شود.

* نامردان اگر منزلت و قدر مردانگی را می دانستند، هرگز در صف نامردهای روزگار نمی ایستادند.

* زندگی بدون انسان هیچ ارزشی ندارد. این انسان است که به همه چیز ارزش می دهد.

* انسانها اگر قدر و منزلت واقعی خود را می دانستند و کشف می کردند، هیچ وقت برای دیگر کشی دست به اسلحه نمی بردند و متجاوز پار نمی آمدند.

* حقیقت را در هر شرایطی باید فریاد کرد. شاید افشای حقیقت در آن شرایط، سرنوشت ساز جهانی باشد.

* حقیقت را نمی شود دفن کرد، چرا که خاک روزی محتویاتش را هر چند کهنه، پس خواهد داد و این قانون طبیعت است.

* در پس هر لپختندی، اندوهی مرموز پنهان است.

- * با صفات نیک و خصلت مرد منشانه است که در قلب جامعه چائی برای خودتان می یابید.
- * ابتکارهای غیر انسانی که موجب انهدام جوامع بشری شود، فاقد احترام و تشویق است.
- * باید تلاش و دلهه امروزیان برای آینده باشد، با این اوصاف چطور می شود اینقدر پی رحمانه کمر به غارت میراث آینده بست؟!*
- * در زندگی اجتماعی طوری رفتار کنیم که تف آیندگان پر شانه های نسل امروز سنگینی نکند.
- * افسوس پر ملتی که از چهل و پی خردی از خود دلگی برای خنداندن دیگر ممالک ساخته است.
- * شهد شیرین زندگی را تنها شیرین اندیشان خواهند چشید.
- * یک انسان هنگامی که با شهامت به تکامل روحی و فکری رسید، هرگز دیگر آزاری و خودفروشی نمی کند.
- * مبارزه ی مبارزان تاریخ هرگز پیوده و پی ثمر نبوده است. مبارزات دیروزیان برای آسایش و امنیت امروزیان بوده است. این همان فداکاری است .
- * بزرگترین کار و خدمت، نشان دادن از یک پی خبری اجتماعی به خود آن اجتماع است.
- * اعتراف به اشتباهات ، شهامت می خواهد.
- * سرمایه ی ملی ملت ها ، همان آیندگان هستند. پس کودکان امان را امروز پستایم و برای فردا درست پسازیم.

* ملتی که برای پرکناری معضلات و مشکلات اجتماعی و اخلاقی اش، تلاشی نکند، مستحق هر گونه ظلم و فلاکت است.

* ملتی که به آگاهی و شناخت و خودپاروی نرسد، همیشه در عذاب و ذلت پسر می پرد.

* غم انگیز و دردناک است سرنوشت ملتی که خودش در ذلت خودش نقش داشته باشد.

* بد است ملتی به اوج پی آپرونی و پی لیاقتی جهانی پرسد و از پی غیرتی، پی تفاوت چون کرم گونه به زندگی خفت پارش ادامه بدهد.

* چرا متفکران، خلاقیت آدم کشتی دارند؟! مگر از جنس خود همین آدم ها نیستند؟!؛

* چرا انسان های به ظاهر بزرگ و خلاق، خلاقیت خودشان را در راه بشریت درست استفاده نمی کنند؟!؛

* ما امروزمان را مدیون زحمات و دسترنج های بزرگ مردان دیروز هستیم که همه چیز را برای ما فراهم کردند، ما برای آیندگان چه کار بزرگی و درستی انجام داده ایم؟!؛

* احمقانه نیست عده ای متفکر و متخصص بهترین دستگاه ها را برای نابودی و شکنجه ی انسان ها خلق کنند و جویزها بگیرند؟!؛

* سازندگان بمب از خود بمب خطرناکتر و پی رحم تر و مغرب ترند.

* عالمانی که از علم اشان بر علیه جامعه ی بشریت استفاده می کنند را باید مچاله شده در سطل آشغال زندگی پرتاب کرد.

* ملتی که برای به تحقق بخشیدن آرمان هایش تکانی نخورد و قهرمانی را منتظر باشد، همیشه عقب مانده و بیمار می ماند.

* یک ملت بزرگ، بزرگی اش را به هیچ بهائی نمی فروشد و برای پاسداری از عظمت و تاریخ پر افتخار کشورش می جنگد و اگر هم لازم شد، کشته می شود.

* مردانگی مختص به یک زمان و محدوده نیست و مردانگی به زن و مرد نیست. همیشه، در همه جا می توان مرد بود.

* هیچ انسانی بزرگ دنیا نمی آید، بلکه درست تربیت می شود تا بزرگوار زندگی کند.

* تا وقتی که بازوها کار می کنند، پاها توان رفتن دارند و قلب فعال است، باید کار کرد. کاری که به نفع همه ی مردم باشد. چرا که مردم خیلی از چیزها را در اجتماع با هم شریک اند، ولی هنوز به این پاور شراکت دسته جمعی نرسیده اند.

* تا حقیقت را ندانی، زندگی لذت و مفهومی برای زیستن ندارد.

* در جامعه ی انسانی نمی شود پی خاصیت زندگی کرد.

* گاهی ننوشتن هزاران بار با ارزش تر و مفید تر از دروغ نوشتن است.

* ما باید بخوانیم و بنویسیم تا یاد بگیریم با روح هائی که خشن تربیت شده اند چگونه با ملایمت رفتار کنیم و بطور وحشتناک بخوانیم و بنویسیم تا موجودی وحشتناک نباشیم.

* ارزش زندگی بیشتر از همه ی این حرفهاست که بخواهیم وصله ی پوچی و پی ارزشی به آن بچسبانیم.

* زندگی شرف و حرمت دارد، پس حرمت و شرافت زندگی را با احترام به آن، حفظ کنیم.

* شرف، غیرت، غرور انسانی، بزرگترین معیار برای انسان است. سه سازه ی اصلی که هرگز پا به پاد دادن آن، نمی توان آن را سالم پس گرفت. باید تا حد جان باید از این سه معیار مراقبت کرد.

* کاش آدم ها به اندازه ای که قشنگ حرف می زنند، بتوانند قشنگ هم زندگی کنند.

* آدم هائی که چیزی را ندارند، درباره ی آن زیاد حرف می زنند.

* انسان های بزرگ، آرزوهائی کوچک دارند، آدم های کوچک، آرزوهائی بزرگ. چرا این همه فاصله و تفاوت؟!

* قلبِ بچه، تحمل نمی شناسد.

* وقتی غیرت پمپرد، دیگر مردانگی ای نمی ماند.

* ترک وطن دشوار است، به دشواری جان دادن.

* زمانی می رسد که یک زن برای سلامت آبرو و زندگی اش باید پنجه بکشد تا حریم اش محفوظ بماند.

* انسان یک جفت چشم دارد تا درست و به اندازه ی سهم اش دنیا را ببیند. چرا عده ای از حد و اندازه اشان تجاوز می کنند و حریم دیگران را به اچار دید می زنند؟!

* بعضی از مردها، غم را می خورند، عده ای دیگر از مردها را، غم می خورد. این چه حکمت است!

* زندگی زنانشوئی مهم ترین و خصوصی ترین حریم زندگی اند که هرگز نباید فاش شود.

* سرک کشیدن در زندگی خصوصی دیگران پی ادبانه و خطرناک و مخرب است.

* شهامت پیش از اندازه، بعضی اوقات کار دست آدم می دهد.

* مگر می شود یک مرد برای سلامت زندگی اش غم نخورد و پی تفاوت باشد!!

* نبود مرد در خانه، برای زن دردناک و فاجعه آمیز است.

* کسی که خواری و ذلت را بداند و باز به آن تن بدهد، بدبخت ترین موجودات است که ارزش زندگی ندارد.

* چرا همیشه پرده ای باید باشد که کارها و حرف ها پشت اش مخفی بماند؟!

* اگر پاک باشی هیچ وقت نمی ترسی و هرگز دروغ نخواهی گفت.

* دروغ نگفتن، شهامت می خواهد.

* آبروی کسی را تحت هیچ شرایطی نریز که دگر بار پخواهی با مشقت جمع اش کنی، هر چند هرگز مثل سابق نمی توانی سالم و پکر پس بدهی.

* چه کسی می گوید هدف در یک قدمی ماست!! اگر اینگونه است این همه تلاش و ریاضت کشتی برای چیست؟! هدف در دور دستهاست. آری در دور دستها. مهم این است که جسارت رفتن و استقامت داشته باشی.

* برای رسیدن به تعادل، نه زیاد پرخوری کنید، نه زیاد پیرگوئی.

- * برای کسی که ارزش حرف را نمی فهمد، صحبت نکن.
- * ما با اندک دانش و علم خود داریم جهان را نابود می کنیم و برای فریب ، اسم اش را خدمت گذاشته ایم. در حالیکه همه حقیقت را می دانیم. اینطور نیست!!!
- * همیشه بین انسانها فرق هائی هست که جایگاه اجتماعی اشان را مشخص می کند و به همان اندازه مورد احترام قرار می گیرند .
- * با انسانی که جایگاهی در اجتماع ندارد ، چه باید کرد؟! حذف یک انسان از زندگی اجتماعی و شهروندی دور از انصاف است. باید او را با هرگونه که باشد پذیرفت!!
- * وقتی عده ای ، جایگاه عده ای دیگر را می دزدند ، چه باید کرد؟!
- * همه شغل ها در جایگاهشان با ارزش هستند و این ارزش، نباید دچار لزش شود.
- * لذت مادر شدن را کسی جز خود مادر نمی تواند درک کند.
- * صدا همیشه زودتر از صاحبش می آید.
- * زنها در بدترین شرایط به گریه هایشان پناه می برند. پس پناه آنها را نباید تخریب کرد که به موجودی خطرناک تبدیل می شوند.
- * همه ی قلب های دنیا می سوزد، اما کدام قلب مزه ی حقیقی سوختن را می فهمد؟!
- * تا کی در پیچ زندگی ، بنا به میل خود زندگی، باید پیچید؟!
- * گلوله ترسناکترین صدای زندگی است که به زندگی پایان می دهد.
- * دنیا آوردن و خلق کردن، چقدر دردسر دارد!

* کاش چنگچه‌ها همان اندازه برای کشتن تعلیم می‌پینند، برای دوست داشتن هم مهارتی بخرج می‌دادند.

* اشک هم، آیا لذت زندگیست!!

* تنها مرگ است که می‌تواند به صدای نعره‌ی خونخواری پایان دهد. مرگ هم گاهی چه فایده‌ها که ندارد!!!

* زن پا گریه خالی می‌شود و نباید جلوی ریزش اشک زن را گرفت که این نهایت پی‌رحمی است.

* در گریه‌ی عشق نجابت است.

* اشک، فریادِ دلِ عاشق است.

* اشک همیشه از ناتوانی نیست، از پی‌انتهائی و سرشار بودن عشق می‌گوید.

* خطرِ زندگی تمام شدن نیست.

* بچه‌ها چراغِ زندگی‌اند که روزی باید روشن بشوند و مرده‌چراغ، چه پدرِ زندگی می‌خورد؟!

* خیالِ حقیقت است یا حقیقتِ خیال است!!!

* افتادن و زمین خوردنِ مرد، برای خودِ مرد دلخراش است.

- * خود کشتی پرگها در پائیز، چقدر شگفت انگیز و دیدنی ست!!!
- * از هر کس، در حد توانش باید انتظار داشت.
- * مرگِ مرد، شکستِ امید زن است.
- * زنِ پی امید و تکیه گاه، خیلی زود فرو می ریزد.
- * ناتوانی یک زن در بخش هائی از زندگی، از پی میلی اش نیست، حد و اندازه ی توانش محدود است.
- * آیا همه ی مردان خودشان را با شجاعت فدای دیگران می کنند؟!
- * شانه های مادر مگر چقدر تحمل دارد که این همه اندوه و مصیبت را بر دوش می کشد!
- * تنگ نه رحم می شناسد، نه مروت می داند، پس این دست ساخت بشر، چه پدر بشر می خورد!!
- * کوه غم، سنگین تر از کوه های حقیقی است و کدام تن توان حمل کوه غم دارد!!
- * جنگ همه را به نابودی می کشاند. حتی آنانی که زنده مانده اند هم بطریقی نابود شده اند.
- * زخمی که روزگار بجا می گذارد، عمیق و سوزناک است.
- * اگر دیدید کسی پی وقعه داد می کشد، بدانید این حنجره نیست که فریاد می کند، این دل است که نعره می کشد.
- * مادر همیشه در هر شرایطی باید مراقب بچه باشد و کسی نیست تا مراقب مادر باشد.

* برای بچه ها از خیلی چیزهای زندگی باید گذشت و تا بچه این را بفهمد و سپاسگزار این همه فداکاری باشد، پدر و مادر دیگر دنیا نیستند.

* راه و رسم روزگار بد است، تو چرا پدی می کنی!!

* پی وقائی خلعت آدم های ترسو و ضعیف است که ثباتی ندارند.

* هر دلی صاحبی دارد، صاحب دل تو چه کسی است؟! دلت را به که سپرده ای تا نگهدارنده ی این گنجینه ی درخشان و مقدس باشد!!

* تفنگ اگر می فهمید کجا را نشانه می رود، اگر می فهمید نشانه اش قلب است، تفنگ دیگر بالای دل نبود و رفیق دل می شد.

* صدا، گاهی وقتها چقدر غنیمت است!!

* زن یک مرد حقیقی، اول مردانگی مردش را از مردش یاد می گیرد.

* گاهی اوقات باید با دل پو کشید، بعضی از پوها مخصوص دل است.

* مادر چقدر توان دارد که همه ی عمرش را زار می زند!!

* وجود مردان، خودش یک سرپناه ارزشمندی است که تا هستند قدرشان را نمی دانیم.

* پذیرش قانون زندگی، سخت تر از قانون طبیعت است.

* زن های نجیب از شرم و حیا نمی توانند خودشان را رو کنند و بعضی از رازها را پشت پرده ی حجاب قایم می کنند.

کاغذهای خط خطی

* همین کوچک ها که امروز پرایتان پی ارزش هستند، روزی بزرگ و سرنوشت ساز می شوند.

* رودها تحمل پلندی ندارند و باید به چاهای پائین دست و کوچک فرو بپرند.

* از خشم طبیعت نباید ترسید، بلکه باید عقب کشید و با او سرو شاخ نشد.

* درپدری هیچ زنی دیدن ندارد و زنها از نداشتن یک مرد و یک سرپناه، آواره می شوند.

* قلب ها، چقدر زود زود، می شکند! این همه ظرافت در یکجا چا می شود!

* قلب، هم می تواند رابطه برقرار کند و هم اینکه حرف بزند، زبان قلب را فقط چشم می تواند بفهمد.

* خاطره می تواند هم شلاق باشد، هم نوازش. پس مراقب رفتار خودت باش.

* مادرها حتی خوابشان را باید فدا کنند. این همه فداکاری را مادر در خودش ذخیره دارد!!

* نیروی جوانی تنها نیروئی است که هدر پرود دیگر نمی توان بدست اش آورد. پس نباید این نیروی شگفت انگیز دور ریخته و یا حرام شود.

* خاطره کاغذ نیست که بشود پاره کرد و دور ریخت. تا هستی خاطراتت هست. خاطراتی قشنگ برای خودت بساز

* کاش می شد چرخ دل ها را طوری پاک کرد که ردپائی از کینه و نفرت نماند.

* بچه، بزرگترین سهم یک زن از زندگی است تا مادر بودن را تجربه کند.

* مادر ها چقدر اشک دارند که باید سر بدبختی بپرند! چرا اشک خوشحالی مادرها، کمتر از اشک مصیبت است!!

* هیچ کس علت اشک مادر را نمی تواند بفهمد تا محرم اشک اش باشد. برای همین اشک مادر یک راز است.

* صدای نعره ی خورنخواری، ته دل هر کسی را خالی می کند.

* دل مادر از رحم و مروت ساخته شده است.

* زن باید دردِ فارغ شدن را خودش به تنهایی تحمل کند، چون کسی نمی تواند شریک درد خلقت اش باشد. دردی که تنها زن در لحظه ی آفریدن می داند چیست. دردی که عرق و چپغ روح اش را در می آورد.

* دردِ خلقت، عظیم ترین دردهاست.

* بچه را باید با جان و دل آفرید، همانطور که با جان و دل شکل گرفت.

* هیچ چیز در زندگی لذت بخش تر از لحظه ی زندگی بخشیدن به دیگران نیست.

* در پستانِ مادر زندگی جریان دارد که شیره ی شیرین اش را بچه می نوشد و جان می گیرد.

* مادر و زمین هر دو سهیم اند. یکی دنیا می آورد، یکی پرورش می دهد.

* وقتی یکی ؛ مادر می شود و بچه ای پا به دنیا می گذارد، باید طفل بزرگ دنیا را با خوشحالی و شغف کوپید تا همه بدانند، زندگی هنوز جریان دارد.

کاغذهای خط خطی

- * جوانمردی به زن و مرد نیست و کمتر کسی هست که جوانمردانه پمپد.
- * راه جوانمردی سخت ترین راه زندگی ست، اما ارزشمند و قابل ستایش و دوست داشتنی است.
- * از خودگذشتگی و جوانمردی هرگز کهنه نمی شود و سالم می ماند. پس چرا در صف جوانمردان نمی ایستید؟!
- * رفتار بعضی ها اینقدر تکان دهنده و بزرگ هست که تمام نیرو و حواس آدم را می گیرد.
- * برای کمک به دیگران، باید به موقع اقدام کرد.
- * بزرگی عده ای فراموش نشدنی ست.
- * جوانمردانی که در راهشان جوانمرد می شوند به دیده ی احترام نگاه کنید.
- * از تلخی حقیقت است که خیلی ها به دروغ پناه می برند تا پی در دسر زندگی کنند. هر چند آن زندگی توام با محفت و خواری باشد.
- * دل های قرص و محکم، چقدر کمیاب شده اند!!
- * چرا حرکت بزرگ فداکاری عده ای در ذهن چا نمی شود!!
- * عظمت مردانگی و شرافت عده ای از انسانها هرگز قابل توصیف و بیان نیست.

کاغذهای خط خطی

* صادقانه برای پدر و مادر اشک ریختن قابل ستایش است.

* حقیقتِ بزرگ زندگی، همه را به زانو در می آورد.

* دوست داشتن نباید پند کننده باشد و با اسارت یکی ختم شود.

* اندازه ی تو چقدر است!! تو برای دنیا کوچک هستی، یا دنیا برای تو کوچک است!!

* افکارهای مشابه، هر چند کم، ولی همراه هم خواهند شد. اگر فاصله ای مابین این افکار ها باشد، روزی، در یک جای دنیا، بهم خواهند رسید و همراه هم خواهند شد.

* مهرپائی زیاد اصلا خوب نیست و مهرپائی پیش از حد وابستگی پدی پوچود می آورد و وابستگی زمینگیر می کند.

* هر کس با نیروی خودش می تواند معجزه کند. آری، تو فقط فرصت یک معجزه داری.

* فهماندن چیزی به کسی، بزرگترین خدمت دنیاست.

* هر کس باید مراقب دلش باشد، دلی که هرز پرود، هرزه می شود و دل هرزه ی فاسد شده، پدرد کسی نمی خورد.

* دل هم مرزی دارد. مراقب دلتان باشید و از حریم دل خود پاسداری کنید.

کاغذهای خط خطی

- * از بلندی راحت تر می توان افکار را پرواز داد.
- * حسنگی چندین ساله ی یک مرد را تنها چشم ها و سکوتش فریاد می کند.
- * پیررها رنجورند، باید مراعات ظرافت دلشان را کرد.
- * کنایه چه پیکانی در نوک خود دارد که جگر پاره می کند!!
- * هیچ وقت نمی شود جلوی افکار و احساس نسل جوان را گرفت، برای همین باید مراقب باشید که از روی لج به پیراهه نروند.
- * دختر هر چند با پدرش راحت است، ولی هرگز نباید حیایش را زیر پا بگذارد.
- * پرده ی حجاب زندگی نباید پاره شود، بلکه باید کنار زده شود.
- * دل ، تنها باید جای یک پادشاه و نه جای پای هزاران نفر که در آن هنگام، دل از ارزش واقعی خود می افتد.
- * پیرها از روی تجربه اشان حرف می زنند ، باید آنها را جدی گرفت که گنجینه ای برای زندگی هستند.
- * آتش عشق ، باید سوزنده ی دو دل باشد ، نه یک دل.

* به دل های افتاده در آتش ، باید رحم کرد.

* هیچ مرزی نمی تواند در برابر عشق دوام بیاورد و مرزها روزی شکسته می شوند. این قانون است.

* جسم و روانی که چنپ و چوش نداشته باشد به سلامت اش باید شک کرد.

* دلی که پلرزد کارش تمام است و کسی نمی تواند جلوی لرزش دل را بگیرد.

* دختر زود دل نمی دهد و وقتی هم داد ، تا پای مرگ پای دلش می ایستد.

* برای دل دادن و دل گرفتن ، باید وقتش پرسد. دل باید پرسد و رسیده شود.

* مرد از زن نمی ترسد، بلکه به عشق و طرافت اش احترام می گذارد و زن هم باید این احترام را پاس بدارد.

* بعضی از زجهای زندگی دوست داشتنی است که فردا چیزی از خاطراتت می شود و ثمره ی آن زجه، شیرین است.

* هر کس باید طوری زندگی و رفتار کند که شرمنده ی وجدانش نباشد.

* تنهایی ، گاهی بهترین فکرها را تولید می کند.

* چنگِ دو دل خطرناکتر است ، یا چنگِ دو فکر!!

* دردناک است وقتی درد داشته باشی و دور و پرت خالی باشی.

* عشق اگر درخت بود، با این همه اشک های ریخته شده تا بحال باید می رسید به اوچ
آسمان

* احترام بزرگترها را در هر شرایطی باید نگه داشت. حتی احترام سیلی های آنها را که
برای تربیت خودمان است.

* جلوی تجربه ی سالخوردهگان باید کوچک شد و فروتن بود.

* پیرها از دیدن جوانها که آینه ی خودشان هستند به وجد می آیند.

* هر که هستی باش، ولی نترس. وقتی شجاع باشی و نترسی، پاک می مانی.

* چه روزگاری که نمی توانی جلوی بچه های فردا را بگیری!

* ادب مهم ترین چیز برای یک مرد است و مردهای پی ادب، زود از چشم می افتند.

* یک مرد بعد از ادب ، باید شرف داشته باشد. شرف آنقدر اهمیت دارد که انسانهایی
برای آن کشته شدند. ادب و شرف برای هم و با هم ساخته شده اند.

کاغذهای خط خطی

* زن هائی که از دنیای زنانگی خودشان فرار می کنند، در حقیقت تحمل عظمت دنیای خودشان را ندارند.

* هر کسی نمی تواند عاشق بشود. عاشق شدن جسارت می خواهد.

* چوب لای چرخ زندگی نکن، زندگی راهش را می رود، این تویی که به عذاب و دردسر می افتی.

* دختری که زود خودش را رو کند، پازنده ی عشق است.

* بگذار تنت پرود، اما، آپرویت نرود.

* وقار و نجابت، بزرگترین حرف و نشان سالم بودن زن هاست.

* هیچ کاری دشوارتر و زجر دهنده تر از رساندن خبر مرگ کسی نیست.

* آپرویت را به اندازه ی تنت بخواه و گرامی بدار.

* سعی کن مثل فکرت آزاد باشی. آزاد آزد.

* حرمت شیر مادر را حفظ کنید که به شما زندگی بخشیده است.

* تجربه ها نباید همراه تن به زیر خاک پرود و دفن بشود.

* ستون هر مردی دلش است. پس دل قرص پمانید.

* اگر ستون دل مردی با هر نگاهی لرزید، از آن دل باید پرهیز کرد که تکیه گاه خویی نمی شود.

* اگر می خواهی با افتخار زندگی کنی، غرورت را سر بلند نگه دار که ارزش انسان به غرورش است.

* زن ها از مردهای ضعیف بیزارند.

* خود عشق به اندازه ی کافی آزار می دهد، دیگر چائی برای آزار معشوق نمی ماند.

* خیلی شهامت و استقامت می خواهد تا در برابر ناملایمات و فشارهای زندگی ثابت پمانی و اجازه ندهی اهداف را یاد بپرد و پوچ شوی.

* عشق ، بازی نیست، زندگی است که باید اهل اش پیدا شود تا قانون زندگی اش را بداند و محترم بشمارد.

* گذر زمان را تنها در چین و چروک افراد نباید دید، بلکه در افکار هر نسل باید جستجو کرد.

* این تن نیست که زیر خاک می رود، بلکه پخش از تاریخ و افکار و اندیشه است که برای همیشه مدفون می شود.

* غیرت چه تن هائی را که به کام مرگ نمی فرستد!!

کاغذهای خط خطی

* کمتر کسی هست که در برابر عظمت تنهایی دوام بیاورد و اگر چنین کسی باشد، عظمت اش باید تندیس شود.

* مادر از روی احساس دل می سوزند، پدر از روی عقل و تجربه پند می دهد. هر دو نیاز بچه می باشد.

* آنهایی که اهدافی بزرگ دارند، بیشتر به طرف مرگ می روند و خودشان را نمی بازند.

* احساس پیکسی انگیزه ی زندگی را خفه می کند.

* مادرها دل نگران آینده ی بچه هایشان هستند، نه سد راهشان.

* گاهی من حوصله ی زندگی را ندارم، بعضی وقتها زندگی حوصله ی مرا. این یعنی چه!!

* مسافر، وقت سفرش که پرسد، خودش کوله بار سفر می بندد.

* حرف زدن با جنس مخالف نشان پی آپرونی نیست و در حقیقت آشنائی با یک دنیای کاملاً متفاوت است. اما شرط اش این است که ظرفیت این ارتباط را باید داشت تا روزی شرمنده و پاتنفر و پاپشیمانی از آن دنیای مرموز پرنگشت.

* عاشق و معشوق از بین بروند، نعره ی عشق که نمی میرد!

* کسی که کسی را دوست داشته و دارد، حرمت و آپرویش را حفظ می کند.

* در روابط دوستانه باید مودب بود که جز این به جدائی کشیده می شود.

* با افکاری زیبا، می توان جهان و زندگی ای زیباتر ساخت.

* ما بچه ها به صداقت پدر و مادرها هم خیانت می کنیم و دروغ می گوئیم و اسم کارمان را می گذاریم، تغییر زمان و تفاوت نسل!! چه احمقانه!

* چینه های زائد و اضافی که قاتل زندگی اند را باید از روی زمین برداشت.

* شکستن تنگ، یعنی نجات صد تا دل، صد تا زندگی و صد تا انسان.

* اگر نمی توانید فداکار باشید، لااقل به فداکاری فداکارها احترام بگذارید.

* زندگی پی رحم نیست، پی رحمی از خود ماست.

* عشق حسود است و از حسادت عشق باید پرهیز کرد که خونها از دل حسادت ریخته خواهد شد.

* آزادی محض، تنها یکی از رویاهای شیرین انسانهاست.

* اشک خیلی ارزش و حرمت دارد، نباید به پای هر کس و ناکسی ریخته شود.

* دلهای زمین خورده کبود است و کبودی دل، هیچ وقت پاک نمی شود.

* آری! یکبار می میری، اما درست و مردانه بمیر.

* باید حرمت زندگی زنشویی را حفظ کرد و خیانت به این رابطه، پاک نشدنی ست.

کاغذهای خط خطی

* قلب هیچ انسانی دندان‌پرای دریدن ندارد. از قلب‌ها نباید ترسید. به قلب‌ها ایمان بیاورید.

* تلاش کنید سهم خودتان را، از هستی بگیرید، نه اینکه بخواهید کل هستی را تصاحب کنید، که این تفکر، پی نهایت تمسخر آمیز است.

* سفره‌ی هیچ مردی را با نامردی خالی نکنید، که این رفتار، نهایت پستی است.

* گاهی کوچک‌ترها، حرفهائی بزرگتر از بزرگ‌ترها می زنند و تمام ابعاد آدم را می تکانند. درد اینجاست که ما تنها خودمان را پاور داریم.

* هر نانی را نباید به دندان کشید و خورد، چرا که هر نانی ارزش خوردن ندارد. نان خوردن هم باید شرافتمندانه باشد.

* پدرم را با تمامی آرزوها و دلوپسی‌ها و نگرانی‌ها نفهمیدم، امروز، پدرم، بچه ام چرا مرا نمی فهمد!!

* انسان درد را می سازد، یا درد انسان را!!

* به اندازه‌ی ذهنت زندگی را می توانی منه کنی. بهتر نیست برای لذت بیشتر به ذهنت وسعت ببخشی!

* مهم نیست که ما از زندگانی راضی باشیم؛ بلکه این زندگی است که باید از ما راضی باشد.